

به گفته خواهران اقبال، چندين بار آنها را بصورت خصوصي تهديد کرده و از آنها خواسته اند که دست از اين کار خود بردارند. ابتدا قصد داشتيم برخي از اين ناسزها را بعنوان نمونه در اين مقاله درج کنم

داستان يك كمپين و بي ظرفيتي مجاهدين خلق

محمد ب، ويلاگ باند رجوی، بيست و يكم فوریه 2013
<http://bandrajavi.blogfa.com/post/254>

پس از حمله خمپاره اي به ليبرتي و کشته و مجروح شدن دهها تن از اعضاي تشکيلات مجاهدين، واکنشهاي فراواني نسبت به اين موضوع صورت گرفت. برخلاف انتظار و با بهت و حيرت ديديم که خود مجاهدين نه تنها براي نجات جان اين افراد هيچ اقدامي انجام ندادند بلکه خواهان ماندن آنها در عراق و حتي بازگشت به اشرف که صديبار خطرناکتر و فاجعه بار تر از ليبرتي هست، شدند. اين در حالي است که تاممي ناظران چه خارجي و چه ايراني خواهان انتقال اين افراد به خارج از عراق و به يك کشور امن هستند.

اما در اين ميان برخي از خانواده هاي نفرات ساکن ليبرتي از جمله خانواده اقبال، که شامل عفت و عاطفه اقبال مي شود، کمپيني تشکيل دادند که در آن بدور از هر گونه بازيهاي سياسي، خواهان انتقال ساکنان ليبرتي به کشور ثالث شده اند. اما اين حرکت کوچک و خودجوش نيز از طرف مجاهدين قابل تحمل نبود.

پس از اعلام اين کمپين، سير اکاذيب و فحاشي ها و ناسزها عليه اين کمپين سرازير شد. بخصوص اين فحاشيها، خواهران اقبال را نشانه گرفته است. به گفته خواهران اقبال، چندين بار آنها را بصورت خصوصي تهديد کرده و از آنها خواسته اند که دست از اين کار خود بردارند.

ابتدا قصد داشتيم برخي از اين ناسزها را بعنوان نمونه در اين مقاله درج کنم ولي از آنجايي که فحاشي هاي مجاهدين برخلاف شئونيات و اخلاقيات است و همينطور بازيانتشار اين فرهنگ منحط، توهين به کساني است که مورد اجحاف قرار گرفته اند، لذا از اين امر صرفنظر کردم.

آنچه که در این میان مهم است و به نظرم باعث می شود که چهره پشت نقاب مجاهدين برملا شود، نحوه تنظیم رابطه آنها با مخالفان است. شاید خوانندگان محترم در جریان باشند که این خواهران اقبال که در اینجا مورد بحث است، تاکنون هیچگونه مخالفتی با مجاهدين نداشته اند برخی از اعضاي خانواده آنها در عراق بسر می برند و برخی از اعضاي خانواده آنها در جریان درگیریها و منازعات مجاهدين اعدام یا کشته شده اند ولی مجاهدين باز حتي يك كمپين بي طرف که هیچ ضرري هم براي آنها ندارد را تحمل نمی کنند و چنین فحاشي و ناسزاگويي راه می اندازند.

این اعمال زشت را تا آنجایی ادامه دادند که محمد اقبال که در تشکیلات لیبرتی می باشد را وادار کردند که علیه خواهران خود موضعگیری کند. و حرفهای آنچنانی نسبت به خواهران خود بزند. کم مانده بود که در مقاله محمد اقبال خواهران خود را به انحراف جنسی و... متهم کند. اگرچه می دانیم که در درون تشکیلات هیچ کاری با اختیار فرد صورت نمی گیرد و همگی تشکیلاتی و سازمان یافته است اما با این حال بایستی به غیرت آقای محمد اقبال تف کرد که چنان مسخ شده و در تشکیلات جهنمی رجوي غرق شده که حتي به خواهران خود نیز رحم نمی کند.

جایی دیدم عکس مریم رجوي در اینترنت منتشر کرده بودند در حالی که روی آن نوشته شده بود «تنها آرزوي من ایران دمکراتیک با آزادي اندیشه و بیان است» معنای دمکراسی و آزادي بیان خانم رجوي آیا همین است؟ اینها در حالی که در قدرت نیستند و در کشور خارجی بسر می برند حاضر نیستند يك مخالفت کوچک را تحمل کنند و چنین ناسزاگويي می کنند و حتي بلد نیستند که با منطق با آن مواجه شوند، چگونه می خواهند دمکراسی و آزادي را برای ایران ارمغان بیاورند. بایستی به او گفت «تو در برون چه کردی که درون خانه آیی؟»

آنچه که جدانشدگان از سازمان مجاهدين طی این سالها گفته و نوشته و افشا کرده اند، در این دوره، یکی یکی دارد اثبات می شود و آن چهره زیر نقاب تشکیلات مجاهدين و شخص رجوي برملا می شود. از نگاه رجوي، پیشبرد استراتژی نیاز به خون دارد. بایستی خون ریخته شود تا بتوان استراتژی را به پیش برد. آنها از خون کسانی که تمام زندگی خود را باخته و سالهای سال است که در حصار تشکیلاتی بسر می برند. البته سالهاست که فاتحه این استراتژی غلط در عراق خوانده شده است اما اعتراف به اشتباه چیزی است که از رجوي برنمی آید. چون این اعتراف مساوی است با نابودی سیاسی و تشکیلاتی و حتي فیزیکی او. باید پاسخ بدهد اگر اشتباه بود پس چرا این همه آدم را به کشتن داد؟ این همه جوانان را به تنور مرگ فرستاد؟ هزاران نفر را در خاک دشمن برای سالهای سال نگهداشت؟ و هزاران چرای دیگر که هیچ جوابی برای آنها نخواهد بود.

اما رجوي برای فرار از این جوابها ترجیح می دهد تمامی نفرات را در عراق به کشتن دهد تا بگوید «ما تا آنجا که توانستیم تلاش کردیم و همه نفراتمان شهید شدند» آری مرگ تمامی نفرات تشکیلات در تقدیر است. بنابراین هرکس و هر جریانی که این استراتژی مرگ را نفي کند از نظر رژیم دشمن است. بخاطر همین است که این کمپين را برنمی تابد.

آيا از قتلگاه ليبرتي به قتلگاه اشرف رفتن مسئله اي را حل مي کند؟ مگر در اشرف بيش از پنجاه نفر کشته نشدند؟

ment!